

ماهیت نیایش و چگونگی اثر بخشی آن

استغاثه و دعا در ارتباط با قدرت و احسان خداوند از جمله پیچیدگی های الهیاتی است که تأمل بسیاری از متفکران را به خود معطوف کرده و مطرح شدن سؤالات زیادی نظیر اینکه درخواست از خدا با درخواست از مردم چه تفاوتی دارد را در پی آورده است.



استغاثه و دعا در ارتباط با قدرت و احسان خداوند از جمله پیچیدگی های الهیاتی است که تأمل بسیاری از متفکران را به خود معطوف کرده و مطرح شدن سؤالات زیادی نظیر اینکه درخواست از خدا با درخواست از مردم چه تفاوتی دارد را در پی آورده است.

نیایش در برابر ذات یگانه ی هستی ، گاه به برآورده شدن دعاها و حاجات افراد می انجامد و گاهی هم این دعاها و نیایش ها به اجابت دقیق خواسته ها و آرزوها ختم نمی شود. پرسشی که در اینجا برای بسیاری افراد مطرح می شود این است که : ' آیا ما می توانیم ' در هر چه می رسد ' خدا را شاکر باشیم یا فقط برای بعضی چیزها خدا را سپاس می گوئیم و برای برخی چیزهای دیگر زبان به ملامتش می گشائیم؟

آیا نیایش در طریق ما با عالم و در نتیجه در شیوه ی عمل ما در عالم تغییری ایجاد می کند ؟ آیا نیایش (آن چنان که ایمانوئل کانت و برخی دیگر استدلال کرده اند) صرفاً نوعی درمان روانی است ؟ یا به یک معنا 'گفت و گویی' با خداست که مستلزم پیش فرض هایی مابعدالطبیعی در خصوص هستی و چیستی خدا و نحوه ی فاعلیت او در عالم است؟¹

در قرآن کریم آمده است که اُدعونی اُستجب لکم ، یعنی بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را . مشابه این آیه در انجیل متی از زبان مسیح (ع) با حواریانش آمده است : هر آنچه با ایمان طلب کنید خواهید یافت.

ونسون برومر بر اساس پژوهش های متعدّدش در باب ایمان و سرشت نیایش، می گوید بسیاری از مردمان با کلیّت این وعده مشکل دارند . چون هر چه باشد همه ی دعاها مستجاب نمی شوند. و شاید علت بی جواب ماندن اغلب دعاها این است که فرد دعاکننده از ایمان کافی برخوردار نیست.

برومر ، استاد آفریقائی تبار فلسفه در دانشگاه اوترخت ، در کتاب ' هنگام نیایش چه می کنیم ؟ ' تحلیل فلسفی جامعی از سرشت نیایش ارائه می دهد . وی با تحقیقی موشکافانه در باب اهمیت نیایش ، این نکته را عنوان می کند که اعتقاد دینی نمی تواند از معنویت و زندگی ایمانی بریده باشد و از این رو به نحوی بنیادین ، امری وجودی (existential) است و نه صرفاً عقلی (intellectual).

برومر که بارها به ایران سفر کرده و با اندیشمندان فلسفه و دین در تهران ، شیراز و قم دیدار و گفت و گو داشته است در مقدمه ی ترجمه فارسی کتاب مذکور اذعان می کند که در طول تحقیق و نگارش این اثر به دو سَت مسیحی و اسلامی توجه داشته و بنابراین اغلب تبیین ها و تحلیل های وی در باب سرشت نیایش با مبانی اعتقادی اسلام نیز همسویی دارد.

برومر بر این عقیده است که اگر ایمان را به سان رابطه ای عاشقانه در نظر بگیریم ، 'نیایش' که راه ابراز این رابطه ی عاشقانه است ، می تواند به عنوان کلید فهم سرشت ایمان نیز به حساب آید.

اما به نظر می رسد بنیادی ترین پرسش مطرح ، درباره ی دعا و نیایش ، این است که اگر خداوند به آینده و تمام امور هستی علم مطلق دارد و چیزی جز به خواست و اراده ی او صورت نمی گیرد ، پس آدمی برای چه نیایش یا دعا می کند و نیایش چگونه خواست خدا را تغییر می دهد؟

متفکران و الهیّون بسیاری درصدد پاسخ به پرسش برآمده اند و نظراتی را ارائه کرده اند. کیرکگورد ، فیلسوف اگزیستانس ، در مواجهه با پرسش فوق عبارت مشهوری دارد که می گوید : نیایش، نیایشگر را تغییر می دهد نه خداوند را.

پاسخ توماس آکویناس ، فیلسوف و متأله مسیحی قرن سیزدهم میلادی ، نیز می تواند به عنوان پاسخی محتمل در نظر گرفته شود ؛ وی می گوید : ' ما باید دعا کنیم نه برای آنکه خداوند را از نیازها و خواسته هایمان باخبر سازیم بلکه برای آنکه به یاد خود بیاوریم که در این موارد به یاری خداوند نیازمندیم.'

سسلوس ولک در تعلیقه ای بر آراء توماس آکویناس اظهار می کند که حتی اگر قرار باشد نیایش بر چیزی تأثیر کند ، آن تأثیر بر

ما نمود می کند نه بر خدا . وی می افزاید: ما نیایش نمی کنیم تا خدا را تحت تأثیر قرار بدهیم . ما دعا می کنیم تا خود را دگرگون و بسامان سازیم تا به نیکی، آنچه که خداوند برایمان اراده و مقدر کرده است را بپذیریم.

اما به زعم مؤلف کتاب 'هنگام نیایش چه می کنیم ؟' ، اشکال پاسخ آکویناس در این است که وی دعا را صرفاً به مراقبه ای درمانگرانه بدل کرده و هیچ جایی برای حفظ نقش استثنائی دعا باقی نمی گذارد. یعنی در تحلیل آکویناس ، ما در دعاها و استغاثه مان، از خدا نمی خواهیم که کاری کند بلکه تنها وابستگی مان به خداوند را به یاد خودمان می آوریم.

برومر می گوید : اگر چنین باشد روی سخن ما در دعا با خودمان است نه با خداوند؛ و قصدمان از دعا نه تأثیرگذاری بر فعل خدا بلکه مشخص کردن فهممان از خویشتن است.

بنابراین برومر در تفسیر سرشت نیایش پیشنهاد می کند که دعا را وسیله ای برای اثرگذاری ، خواه بر خداوند ، خواه بر شخص حاجت مند در نظر نگیریم ؛ چرا که این رویکرد امری گمراه کننده است.

وی می افزاید : ما به هنگام عرض حاجت ، خداوند را از آنچه نمی داند باخبر نمی کنیم ؛ نیز آن طور نیست که آنچه را در آستانه ی فراموشی آن هستیم به یاد خود بیاوریم ؛ بلکه به وابستگی شخصی مان به خداوند اذعان می کنیم به نحوی که خداوند را قادر می سازد که آنچه را بدون این اذعان یا درخواست شایسته ی آن نبوده ایم را ، به ما عطا کند.

برومر می نویسد: بهتر است دعای حاجت را در قالب رابطه تفسیر کنیم ؛ بدین نحو که نیایش بر رابطه ی میان خداوند و شخص حاجت مند اثر می نهد .

آلیستر هاردی (درگذشته 1985)، متفکر انگلیسی و مؤسس مرکز پژوهشی تجربه ی دینی (در آکسفورد)، به مقوله ی نیایش از منظر تأثیر آن بر افزایش قدرت روحی انسان تأمل کرده و اظهار داشته است که دعا حتی اگر به تغییر روند حوادث هم نیانجامد، غالباً در مورد شخص نیایشگر مستجاب می شود.

به زعم هاردی، دعا باعث برخورداری از قدرتی معنوی در شخص می شود تا بتواند مصائب را تحمل کند. وی که البته با دیدی مسیحی به موضوع می نگرد ، اظهار می دارد که با دعا کردن لطفی شامل حال شخص دعا کننده می شود که او را قادر می سازد با روند حوادث، راحت تر دست و پنجه نرم کند.

هاردی به عنوان نمونه حضرت عیسی (ع) را مثال آورده و می گوید: دعای عیسی (ع) به یک معنا مستجاب نشد و وی از نوشیدن جام معاف نگردید، اما لطفی شامل حالش شد تا تحمل نوشیدن آن را داشته باشد.

مفهوم لطف یا نظر خداوند بر بنده ی نیایشگر، در فرازهای گهربار مولای متقیان علی (ع) در نهج البلاغه نیز آمده است. ایشان در نامه ی 31 در وصیت به فرزندشان حضرت امام حسن (ع) می فرماید: خدای تعالی کلید همه ی گنجینه های غیبش را در دستت قرا داد و آن کلید دعاست؛ با این کلید می توانی باران رحمت او را به سوی خود بیارانی ... هرگز از تأخیر اجابت دعا ناامید مباش ، گاه در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل تر شود.

مهاتما گاندی، رهبر فقید هند، هدف از نیایش را ، راز و نیاز با خدا و معطوف ساختن نور آن به درون خویش برای فائق آمدن بر ضعف هایمان عنوان می کند.

اسلام ، به طور کلی از نیایش با عنوان کلید رحمت (مفتاح الرحمه) تعبیر می کند. نیایش از جمله عمیق ترین اسرار بین انسان و خداست. شاید بهترین تعبیر درباره ی سرشت یا ماهیت نیایش را بتوان در کلام خود خداوند جستجو کرد آنجا که در قرآن کریم می فرماید: ذکر خدا مایه ی آرامش دلهاست (الا بذکرالله تطمئن القلوب). سرشت نیایش در ساده ترین مفهوم آن همین آرامش بخشیدن به دل و رهندن انسان از بندهای اسارت خواستن هاست.

ونسون برومر، به رغم تمام تلاش هایی که در رابطه با مطالعات الهیات و فلسفه به انجام رسانده، معتقد است که الهیات کوششی نظری نیست که شناخت خدا را در اختیارمان بگذارد، همان سان که علم (science) شناخت جهان مادی را فراهم می کند. به قول جان دروری، نیایش 'مکتب نگریستن' است. یعنی توفیق در 'نگریستن به عالم در پرتو ایمان'.

نیایش ، با آرامش دل، زمینه ی آگاهی ، بصیرت و بلند همتی را برای انسان خاکی به ارمغان می آورد. امید است در روزهای معنوی ماه مبارک رمضان، این ماه مراقبه و اندیشه ، بیش از گذشته به توفیق نیایش با یگانه خالق هستی بخش نائل آییم .

منابع :

1- هنگام نیایش چه می کنیم ؟ ، ونسان برومر، ترجمه ی اشکان بحرانی و مسعود رهبری، نشر هرمس

2- نیایش ، مهاتما گاندی ، نشر نی ، ترجمه ی شهرام نقش تبریزی

3- نهج البلاغه امیرالمؤمنین (ع)، ترجمه ی علامه محمد تقی جعفری ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

4- قرآن کریم